



۲۰۱۳/۰۶/۰۲

ولی احمد نوری

نظری به واقعیت های تاریخ افغانستان

عبدالرحمن خان فقید^۱ پادشاه افغانستان، امیر تحت الحمایه نبود.

چندی قبل نوشته ایرا تحت عنوان «معضله دیورند» به قلم جناب میر عنایت الله سادات به تاریخ ۲۰۱۳/۰۵/۱۹ در پورتال معتبر افغان جرمن آنلاين خواندم. موضوع معضله دیورند را کنار می گذارم و می پردازم به اصل موضوع که دلیل نوشتن این سطور است.



جناب سادات که من به قلم ایشان احترام دارم در اخیر نوشته خود دو بار به شخصیت بزرگ امیر عبدالرحمن خان فقید که نه تنها برای ما افغان ها، بلکه برای غربی ها حیثیت مهندس و معمار افغانستان جدید را داشت و او را در مطبوعات غرب خاصاً مطبوعات آلمان امیر آهین خوانده اند و با بیسمارک آلمان مقایسه اش نموده اند. این را تنها من نمی گویم اینرا مطبوعات غرب می گوید و می نویسد.

در صفحه پنج مقاله تحقیقی و پر ارزش جناب رحمت آریا نویسنده فرهیخته، دانشمند و نامدار افغانستان که بتاريخ ۱۲ فروری ۲۰۱۱ در پورتال معتبر افغان جرمن آنلاين نشر شده، می خوانیم: «شخصیت امیر عبدالرحمن یک شخصیت متنازع است. کسی او را مستبد، ظالم، بی باک خوانده اند ولی مستشرقین او را امیر آهین مشیت، اساسگذار نهاد های اقتصادی و اجتماعی و مدنیت نوین افغانستان خوانده اند. کسانیکه از تاریخ آلمان آگاه اند میدانند که تاریخ آلمان نیز بیسمارک (Otto Eduard Leopold) را چانسلسر آهین "The Iron Chancellor" خوانده است.»^۲ همچنین در کتاب «وارثان گریگوریان»

«بروز افغانستان نوین» نویسنده امریکایی، تحت نظر پروفیسور های پوهنتون های مختلف در «کلیفورنیا» بشمول پوهنتون ستینفوردر، صفحه ۱۳۳، و در شرح سفر نامه «لارد کرزن» (Curzon) نویسنده برتانوی در صفحات ۵۷ – ۵۶، نکات فوق العاد مهمی در باره شخصیت خارق العاده امیر عبدالرحمن خان ذکر گردیده که از هر نظر برای خواننده افغان اهمیت دارد، آنهم خواننده که بخواد بر زندگی و سلطنت امیر آهین چیزی بنویسد و بخواد در باره نهاد و خصوصیت زندگی «سرکش و طوفانی» امیر عبد الرحمن خان ابراز نظر نماید.^۳ شما جناب سادات، این مرد بزرگوار افغانستان را که میتوان رادمرد سیاسی و اداری کشور خواند، «امیر تحت

۱- امیر عبدالرحمن خان معروف به امیر آهین افغانستان در سال ۱۸۴۰ میلادی تولد شده و در سال ۱۹۰۱ میلادی در باغ بالای کابل وفات نموده است. روایتش شاد و یادش گرامی باد. (و. ا. ن.)

۲- متن مکمل مقاله تحلیلی و تاریخی جناب رحمت آریا را به کمک لینک آتی می توانید مطالعه فرمائید و خود در باره شخصیت بزرگ امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملت قضاوت فرمائید:

http://www.afghan-german.net/upload/elmi_bibliothek/r_arya_amir_ab_rahman_khan_amir_ahanin.pdf

۳- در باره نکات مهم زندگی و شخصیت امیر عبدالرحمن خان فقید لطفاً مقاله تحلیلی و با ارزش جناب دکتور محمد اکبر یوسفی نویسنده و دانشمند افغان را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahliha_PDF/ma_yosufi_amir_ab_rahman_k_wa_afg.pdf

الحمايه» و مانند بعضی از مؤرخين صاحب غرض باين سمبول وحدت و نجات افغانستان از تجزيه و نابودی بی احترامی نموده اید. حتماً منظور شما از تحت الحمايه بودن او تحت الحمايه انگلیس است!! که من اینرا نمی پذیرم چه سردار عبدالرحمن خان فقید از همان روزهای اول استقرار سلطنتش در افغانستان به فاصله گرفتن از انگلیسها و برتانیه آغاز کرد و اینرا اعمار اولین ماشین خانه کابل بکمک آلمانها و انجنیران آلمانی که در پایان می خوانید بخوبی باثبات میرساند. زیرا چگونه یک رهبر تحت الحمايه انگلیس میتواند قرارداد های تجارتي، تخنیکي و تعمیراتی و مخصوصاً فابریکه تولید سلاح های مدرن آنروز را با آلمان ها دشمن آشتی ناپذیر انگلیس عقد می کند. چگونه داکتر معالج شاهانه را به عوض یک طبیب انگلیس داکتر آلمانی را انتخاب میکند (داکتر پارلمن)؟

برای تجدید نظر شما درباره شخصیت برارنده و ممتاز امیر عبدالرحمن خان نکات آتی را بعرض شما می رسانم:

۱- اعمار و افتتاح اولین ماشین خانه در افغانستان:

زنده یاد امیر عبدالرحمن خان فقید (ضیاء الملت و الدین) پدر کلان اعلیحضرت امان الله خان اولین فابریکه را بنام ماشین خانه در افغانستان بنیان گذاشت و اعمار نمود. آنها به کمک جرمنی و انجنیران جرمن. (که در این باره بعداً صحبت میکنم)

■ در آن زمان که نفوس شهر کابل به پنجاه هزار نفر نمی رسید. نزدیک به پنج صد نفر از باشندگان کابل را برای امور این ماشین خانه تعلیم و تربیه نمود و به کار گماشت.

■ در این فابریکه یا ماشین خانه بود که اولین دستگاه ذوب آهن فعال گردید.

■ در همین ماشین خانه کابل بود که برای بار نخست طوله های صبح و دیگر(عصر) اعمار گردیده و به کار آغاز نمود. تا پادشاهی امیر عبدالرحمن خان قانون حاضری برای مأمورین دولت و کارمندان رسمی و شخصی وطن وجود نداشت و همه مکلف بودند از آفتاب برآمد تا آفتاب نشست به وظیفه حاضر باشند و کار کنند. همین پادشاه روشن و منور و شجاع بود که وقت کار مأمورین دولت و بقیه کارمندان کشور را بین ساعت ۸:۳۰ صبح و ۴:۳۰ عصر فرمان داد.(در حالیکه در همان زمان، در اروپای صنعتی و منجمله در آلمان ساعات کار به ۱۶ ساعت گزارش گردیده است.) چون مردم هنوز ساعت نداشتند، همین طوله های جدید ماشین خانه ساعت ۷:۳۰ صبح برای حرکت بسوی دفاتر را اطلاع میدادند و ساعت ۸:۰۰ صبح آغاز کار را اعلان میکردند که نزد مردم کابل مشهور به (طوله اول) و (طوله دوم) شناخته می شده است. ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر طوله سوم روز به آواز بسیار بلند پخش می شد که در تمام کابل و شش گروهی آن شنیده می شد و توقف کار را ابلاغ مینمود. این طوله ها که به سیرین Sirene های امروزی شباهت داشت تا زمان سلطنت فرخنده اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نیز در فضای کابل شنیده می شدند.

■ در همین فابریکه بود که برای نخستین بار خود افغانستان شروع به تولید آلات و ادوات چوبی، سنگی، مسی، آهنی، برنجی و فولادین نمود و برای بار اول واردات تل های جستی، عرد های آهنی، قلبه های زراعتی، قلف، قلفک (قفق و قفلک) میخ و چپراس، انواع مختلف زنجیر و دستگیر از خارج (هندوستان و پاردریا «تاجیکستان و ازبکستان») توقف نمود

■ در همین ماشین خانه بود که به امر امیر آهنین ولی منور و شجاع افغانستان تولید الکھول نوشیدنی از کشمش و انگور آغاز گردید. چون در ابتدا برای مسایل طبی و ضد عفونی استحصال الکھول چوب در این ماشین خانه آغاز شده بود ولی مردم زیادی از آن برای خمار استفاده میکردند و اتفاقات ناهنجار صحتی برای مردم واقع می شد و حتی بعضی از جوانان بینایی چشمان شان را از دست میدادند و کور می شدند. وقتی این خبر به پادشاه کشور رسید، برای جلوگیری از این نوع واقعات امر استحصال الکھول کشمش و انگور را شجاعانه صادر نمود تا از تلفات انسانی جلوگیری شده باشد. این کار امیر عبدالرحمن خان فقید در تاریخ کشور های اسلامی و منطقه سابقه نداشت.

۲- اعمار و افتتاح فابریکه حربی در افغانستان:

یکی دو سال بعد امیر آهنین در کنار این دستگاه سنگ تهادب ساختمان معظم دیگری را بدست خود نهاد که در مدت کمی از زمین سر برافراخت و به مردم فابریکه حربی افغانستان معرفی گردید.

■ در همین فابریکه بود که برای اولین بار افغانستان افتخار ساختن سلاح های مدرن آن روز را نصیب گردید. تفنگ های مدرن با کارطوس آن، توپ های هجده پین با گلوله های آن، لباس های مختلف زره و سپر های

دفاعی برای مربوطین نظامی اردوی افغانستان، کارد، سیلاوه، پیش قبض و شمشیر و غلاف شمشیر و دیگر تولیدات جنگی برای سپاه جوان افغانستان که تازه به توجه خاص همین امیر آهنین و فرمان او تشکیل گردیده بود، به تولید آغاز نمود.

■ در همین فابریکه بود که افغانستان توانست برای بار اول تفنگ های شکاری با ساچمه آن و وسایل مدرن ماهی گیری آن روز را برای شایقین شکار و ماهی گیری تولید کند و افغانستان را از واردات آن از کشور های همسایه فارغ سازد.

۳- چندی بعد در کنار فابریکه حربی ساختمان دیگری سربرافراخت که (پشمینه بافی) اش خوانند. ■ در همین پشمینه بافی جدید بود که برای اولین بار لباس یونیفورم عسکری سپاه افغانستان از تکه سرج تولید گردید. و دکمه ها و ستاره ها و نشانهای برجی طرف ضرورت یونیفورم عسکری اردوی افغانستان ساخته شد. در این جا می خواهم نکته مهمی را به عرض شما خوانندگان محترم و نسل های آینده کشورم برسانم که در تاریخ افغانستان عزیز ما و شما اولین باری بود که سپاه افغان و منصب داران اردوی ما ملبس به یونیفورم می گردید و اینهم یکی از افتخارات امیر آهنین افغانستان عبدالرحمن خان فقید است که به روح پرفتوح اش می باید درود فرستاد.

■ یکی از مهمترین نکات دیگریکه باید تذکر یابد اینست که با مشاهده کار انجیران آلمانی در این سه فابریکه (ماشین خانه - فابریکه حربی و پشمینه بافی) امیر مترقی و روشن فکر متوجه گردید که باید جوانان خود افغانستان تحصیلات انجیری بیاموزند و برای وطن خود خدمت نمایند. همان بود که به کمک شماری از خانواده های مستعد افغان تعدادی از جوانان وطن را برای تحصیلات انجیری به کشور هندوستان فرستاد و این نخستین باری بود که یک پادشاه افغانستان به فکر تحصیلات مدرن جوانان کشورش می افتاد. و در باز گشت، این جوانان بر علاوه پیشبرد کار های تخنیک این سه نهاد صنعتی در مکتب حکام به تدریس زبان انگلیسی آغار کردند. این اولین و یگانه مکتبی بود که امیر عبدالرحمن خان برای تعلیم و تربیه علاقه داران، مستوفی ها و حاکمان بنام (مکتب حکام) افتتاح نموده بود.

۴- اعمار و افتتاح اولین مطبعه در افغانستان:

■ تا سلطنت امیر عبدالرحمن خان فقید مطبعه جدید با تخنیک همان روز وجود نداشت. مطابع موجود در کابل همه سنگی و با روش های بسیار ابتدایی به نشر و چاپ کتاب و رساله ها می پرداختند و تعداد نشرات هم فوق العاده ناچیز بود. بعد از افتتاح مطبعه جدید کابل نشر و چاپ کتاب های بیشماری آغاز گردید. خود پادشاه افغانستان به کتاب و مطالعه توجه داشت و همه دانشمندان و قلم بدستان را برای نوشتن و خلق کردن آثار تشویق میکرد.

■ در دوران سلطنت همین پادشاه افغانستان بود که در مملکت بیشتر از دو صد جلد کتاب های مختلف علمی، تاریخی، داستان، شعر، آموختن رمز زندگی و آسپزی افغانی و اروپایی طبع گردیده بود، که در طبع کتاب های اخیر شخص پادشاه افغانستان دلچسپی خاص داشته و در تسوید آن سهم مثبت و اشتراک داشت. و اینرا باید اضافه کنم که تا زمان سلطنت فرخنده اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بابای ملت در عهد هیچ پادشاهی در تاریخ افغانستان به شمول امیر حبیب الله خان سراج الملت والدین، اعلیحضرت امان الله خان، امیر حبیب الله سقاء و اعلیحضرت محمد نادرشاه) به این تعداد کتاب چاپ نشده است. ۴

۵- مدرنیزه کردن سیستم قضایی افغانستان برای بار اول در تاریخ کشور.

مرحوم امیر عبدالرحمن خان بانی نظام « قضایی دولت » در افغانستان عزیز نیز است، اوشان قضای پراکنده،

۴- فهرست مکمل این کتاب ها را دانشمند مشهور کشور جناب پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید رئیس پوهنتون کابل در یکی از آثار خود نشر کرده بود که با تأسف یک جلد آنرا که من داشتم قربانی انقلاب شکوهمند ثور شده و با همه کتاب های من و کتابخانه پدرم (مزرا سلطان احمد خان) از طرف انقلابی های ۷ ثوری ضبط گردید و ممکن کاملاً از بین رفته باشد چون اینها می خواستند تاریخ افغانستان را از سر بنویسند و باید همه آثار قبلی نابود میگردد. مثلیکه کتابخانه های تمام سفارته ای افغانستان در جهان را نابود کردند. که این موضوع از خود قصه دراز دارد.

فاقد نظم و فاقد روش واحد قضایی را که در انحصار مُلا ها و مذهبیون قرار داشت، از تسلط آنها آزاد ساخته و در حیطه ارگان های دولت قرار داد.

■ دیگر هر شخص به ظاهر مذهبی نمی توانست، در پست قضاوت کار کند و یا گماشته شود، امیر عالیقدر برای تقرر در کرسی قضاوت شرط اساسی امتحان را گذاشت یعنی هر کی می توانست امتحان را مؤفّقانه سپری کند حایز صلاحیت قضاوت دانسته می شد، قبل از آن قضات در مساجد به امر قضاوت می پرداختند و از خیرات و صدقه و شیرینی و شکرانه اشخاص نیدخل در دعوی امرار میثیعت می کردند اما بعد از ریفرم قضایی امیر، برای قضات از بودجه دولت معاش مقرر گردید، در عین زمان رهنمود بسیار مهم برای قضات که «اساس القضا» نام دارد به امر امیر آهنین ترتیب، تسوید و نافذ گردید. این رهنمود زمینه آنرا فراهم ساخت تا راه برای «منابع وضعی صدور حکم» یعنی قوانین موضوعه باز گردد و مدرنزه شدن نظام قضایی افغانستان آغاز گردد.

۶- اعمار سرک های بزرگ و شاهراه های مشجر در افغانستان:

■ قبل از دوران سلطنت امیر عبدالرحمن خان فقید در هیچ یک از شهر های افغانستان، کسی راهی را به نام سرک و جاده نمی شناخت. همین پادشاه بزرگ بود که اعمار جاده ها و سرک ها را در شهر های افغانستان و بین شهر ها و مناطق کشور ما تهداب گذاشت و با عشق و توجه بسیار اعمار نمود.



به قرار گفته های شفاهی پدر مرحوم میرزا سلطان احمد خان که یکی از خدمتگزاران و مأمورین جوان ارگ سلطنتی بودند، اولین جاده بزرگ و عریض با غرس درختان پشه خانه بین چهار راهی صدارت و برج مشهور شهر آرا اعمار گردید. مردم کابل تا آن زمان وسایط سرک سازی مخصوصاً رول را ندیده و نشناخته بودند و مورد استعمالش را هم حدس نمی زدند. برای نخستین بار تعدادی از این رول ها با چند زنجیر فیل های بزرگ برای اعمار سرک ها و جاده ها از کشور هندوستان آورده شدند که رول ها ساخت برتانیه بود، همین جاده ای که در آن زمان به جاده شهر آراء موصوف بود با همین رول ها و فیل ها پخته کاری و اعمار گردید.

تصویر میرزا سلطان احمد خان

مرحومی قصه می کرد: در روزیکه این جاده بزرگ، که سه زنجیر فیل میتوانستند در کنار هم بالای آن راه بروند، از طرف شخص پادشاه افغانستان امیر عبدالرحمن خان معروف به امیر آهنین، افتتاح می شد، من هم افتخار حضور در آنجا را داشتم. پادشاه بزرگ مملکت در بین انبوه مردمی که دورش جمع شده بودند و از گارد های مسلح و موتر های زره دار خبری نبود، پادشاه با عظمت با صدای سهمگین ولی مملو از احساسش گفت: «چقدر خوشبختم که اولین جاده بزرگ پخته کاری و مشجر وطنم را به کمک و عرق ریزی شما ملت محبوبم افتتاح میکنم.» بعد از لمحاتی مکث رو بسوی آسمان کرد و افزود:

« خداوندا! شکر میکنم به دربارت که هموطنانم را و خودم را یاری رساندی و در اعمار این بناء بزرگ کامیاب نمودی.» در حالیکه بطرف مردم خود می نگریست، دفعتاً احساسات بر وی غلبه کرد و در برابر مردم به گریه شد و دوباره دستان بزرگش را به طور بازتر بسوی آسمان کرد و با صدای لرزان و ناله اندوهگینی دعا کرد: « بار خداوندا !! تو مردم را ، تو ملت سرفراز افغانستان را توفیق بخش و استعانت اینرا نصیب کن که بتوانند همه وطن را، همه شهر ها و قصبات این سرزمین را چنین آباد کنند.»

در این وقت "کرنیل طرق" ^۱ غلام قادر خان ده افغانانی دستان امیر را بوسید و به نمایندگی از مردم افغانستان از عنایات شاهانه شان ابراز سپاس و شکران نمود.

۵- این تصویر میرزا سلطان احمد خان مرحوم در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی (۱۹۷۴ میلادی) در کابل به قلم توانای نقاش شهیر و نامدار افغانستان مرحوم استاد غوث اللین خان رسان از روی یک عکس زمان امیر حبیب الله خان شهید نقاشی شده است
۶- کرنیل طرق در آن زمان پوست وزیر فواید عامه امروز را به عهده داشت و از اعمار، ترمیم و باز سازی طرق (راه ها) و بند و انحرار سرپرستی می کرد. و این شخص یعنی کرنیل غلام قادر خان ده افغانانی چون یک انسان پاک و صادق و وطن دوست بود طرف توجه خاص امیر آهنین قرار داشت.

۷- یک چیز مهم دیگر که میتواند جوهر بی همتایی این بزرگ مرد تاریخ افغانستان را روشن سازد متن وصیتنامه او به شهزاده حبیب الله خان فرزند شان است. من قبلاً نوشته ای در باره این وصیتنامه در همین پورتال به نشر رسانده ام که شما می توانید به کمک لینک آتی آنرا مطالعه فرمائید و در حصه نکات عالی و بیشمار مثبت و شخصیت براننده این تاجدار افغانستان متوجه گردید.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_aakherin_wasiyat_amir_ab_rahman.pdf

در اخیر میخواهم بعرض شما و دیگر خوانندگان و وطن دوستان و صاحبان عدالت برسانم که برعکس گفته های بعضی مؤخین صاحب غرض و صاحب مرض، این امیر عبدالرحمن خان بوده که باید در تاریخ افغانستان بحیث بنیانگذار نوسازی و مدرن ساختن افغانستان یاد شود نه اولاد و نواسه اش. حتی اعمار فاریکه برق جبل السراج که در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان پایان یافت و برای نخستین بار کابل پایتخت افغانستان زیبا با روشنی برق چراغان ساخت، یکی از پروژه های ساختمانی امیر عبدالرحمن خان پدر او بوده که یکی از خوابها و آرزوهای او بوده است که کشورش صاحب برق شود اریکین ها و چراغهای تیلی مردمش با گروپ های برق روشن گردد. همچنین خواهشمندم در پایان به کمک لینک های داده شده مقالات عالی، تحقیقی، حقیقت جویی و ارجگزاری نویسندگان گرانقدر، دانشمند و فرهیخته افغان جنابان داکتر محمد اکبر یوسفی، داکتر سید عبدالله کاظم

دکتور محمد اکبر یوسفی
خط دیورند و نقش تاریخی امیر عبدالرحمن خان

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yousufi_ma_dewrand_wa_amir_abdurahman_kahn.pdf

دوکتور سید عبدالله کاظم
امیر عبدالرحمن خان بنیانگذار دولت مرکزی افغانستان

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_abdurahman_khan_bonyangozaar_daolat_markazi.pdf

مقاله علمی و تحقیقی جناب رحمت آریا نویسنده فرهیخته و دانشمند افغان
امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملت و الدین امیر آهنین افغانستان

http://www.afghan-german.net/upload/elmi_bibliothek/r_arya_amir_ab_rahman_khan_amir_ahanin.pdf

ولی احمد نوری
آخرین وصیت امیر عبدالرحمن خان فقید «ضیاء الملت» به ولیعهدش شهزاده حبیب الله خان سراج
http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_aakherin_wasiyat_amir_ab_rahman.pdf

دکتور محمد اکبر یوسفی
امیر عبدالرحمن خان و افغانستان - واقعات های تاریخ

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/ma_yosufi_amir_ab_rahman_k_wa_afg.pdf

یادداشت ها از کتاب وارتان گریگوریان نویسنده امریکایی:

Vartan Gregorian - The Emergence of Modern Afghanistan

د پانو شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

Politics of Reform and Modernization , ۱۸۸۰ - ۱۹۴۶

نویسنده امریکایی: در نشرات یونیورسی سٹینفورڈ امریکا
ارمنی نژاد

Stanford University Press, Stanford, California ۱۹۶۹

ترجمه عنوان: «بروز و طلوع افغانستان مودرن»
سیاست ریفرم و مودرنیزیشن . ۱۸۸۰-۱۹۴۶

فصل پنجم
(صفحه ۱۲۹)

عبدالرحمن خان: «از انارشی تا پادشاهی مطلقه»

“The first major and concerted effort to reform Afghanistan began after ۱۸۸۰, when Abdur Rahman Khan, “the Iron Amir”, ascended the Afghan throne.” (p.۱۲۹)

ترجمه غیر رسمی: «اولین کوشش های بزرگ «ریفرم» در افغانستان در بعد از سال ۱۸۸۰م، زمانیکه عبدالرحمن خان، «امیر آهنین»، بر تاج و تخت جلوس نموده است، اتفاق افتاده است.»

„The Amir himself best described the situation: „ Every priest, mullah and chief of every tribe and village considered himself an independent King, and for about ۲۰۰ years past, the freedom and independence of many these priests were never broken by their sovereigns. The Mirs of Turkman, The Mirs of Hazara, the chiefs of Ghilzai were all stronger than their Amirs.”

«امیر خودش وضع را به بهترین شیوه توضیح نموده است: «هر روحانی، ملا و سرکرده هر قوم و قریه، خود را پادشاه مستقل میدانست و در حدود ۲۰۰ سال گذشته، استقلال و حاکمیت بسیاری ازین روحانیون هیچگاه شکستانده نشده بود. میرهای ترکمن، میرهای هزاره، سران غلزائی همه قوی تر از امیر های آنها بوده اند.» (صفحه ۱۲۹)

«او بیان داشته است که انگلیس و روس بهر حال رقیب آشکار بوده، در امر ویرانی افغانستان و میراث مسلمانان آن متحد اند. در برابر آن خطر، افغانها متحد نگردیده اند....» (صفحه ۱۳۰)

عبدالرحمن: یک ارزیابی (توسط مؤلف کتاب)

«حکمرمائی یا سلطنت عبدالرحمن خان، در سال ۱۹۰۱م بپایان رسید. با مروری بر ۲۱ سال حاکمیت او، میتوان هر دو، اجرائت عظیم و ضعف های بزرگ را یافت. در جهات مثبت باید بر سرفرازی او، آنچه در بخش اداری، سیاسی، و وحدت اقتصادی افغانستان، انجام داده است، افزود گردد. او کشور را آرام ساخت، اردوی ثابتی را ایجاد نمود، ممانعت در برابر قدرت روحانیون و سران اقوام، بیک پیمانانه کوچک ماشین مودرن را از تخنیک و تکنالوژی اروپائی و تخنیکهای خارجی معرفی کرد: داکتران و تا حدی هم دانش طبی را بکشورش آورد. تجارت منطفوی را تقویت بخشید. تلاش ورزید تا وزن و معیار ستندرد در کشور تطبیق گردد....» (صفحه ۱۶۰)

(نوت: در جریان بحران اخیر، صاحب نظران بی شمار به آرزوی موجودیت شخصیتی مانند «امیر آهنین» بوده اند، تا ثبات را به افغانستان برگردانند.)

در پایان به عرض می رسانم که:

گاهی بعضی از اشخاص خوش باور چنین می اندیشند که «ای کاش ما افغان ها تا مدت زمانی مستعمره انگلیس می بودیم تا همانند هند و پاکستان و... به سیستم پیشرفته اقتصادی - اجتماعی و تخنیکی آن دسترسی پیدا می کردیم که بالااثر مگر شاید اینقدر عقب نمی ماندیم...» اما متذکر باید شد که انگلیس ها با درکی که از افغان ها و روحیه و فرهنگ ایشان داشتند هرگز به رایه دستاورد های علمی و تخنیکی خود به ما نبودند و بلکه هر حاکم و

د پانو شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

امیری که سعی به متریقی کردن افغانستان می نمود او را با دسیسه ها از صحنه برون می نمودند، امیر عبد الرحمن خان نیز در برابر این دسیسه ها و سنگ اندازی ها قرار داشت، اما او با تدبیر و هوشیاری وطنخواهانه اش توانسته بود این همه گام های اساسی پیشرفت را برای وطنش بردارد، آن اوضاع و احوال دوران امارت امیر با دشواری ها و مشکلات و موانع داخلی و خارجی و مقابله به همه آنها در زمان واحد و همچنان ایفای خدمات و فعالیت های انکشافی، ارزش و اهمیت آن همه اقدامات موثر و پیشرونده را صد چندان می کند.



آرامگاه اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان فقید ضیاءالملت و الدین در کابل

د پانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ